



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
مدرسه علمیه الزهرا (س) شهرستان بافق

عنوان:

دعا در میان شیعیان

استاد مربوطه:

سرکار خانم خبازیان

پژوهشگر:

فاطمه تقی زاده

بهار ۱۳۹۵



از منظر جامعه‌شناسی دین (نگاه اجتماعی به دین) و جامعه‌شناسی دینی (نگاه دینی به جامعه) دعاخوانی و دعا کردن یک کنش اجتماعی دینی است، کنشی است مؤثر (به لحاظ اعتقاد و باور دعاکنندگان مبنی بر اثرات مثبت آن بر فرد و زندگی‌اش)، مستمر (به لحاظ شایع بودن و جاری شدن آن در تمام ساعات و آنات زندگی روزمره فردی و اجتماعی) و فراگیر (به جهت سریان دعا به تمامی رخ دادهای زندگی روزمره).

در این میان، دعای دینی از جایگاه خاصی برخوردار است، بیشتر به این دلیل که محوری برای پیوند ابعاد مختلف دین‌داری اجتماعی را بر عهده دارد. به عبارتی، کنش اجتماعی دعاخوانی هم در خدمت تقویت باورهای دینی است، هم با شعار اجتماعی خاصی همراه است، هم به عنوان نوعی تجربه دین‌داری نو شونده و روزمره با تقویت اخلاق دینی مرتبط است و هم اینکه سرشار از معارف و آگاهی‌های عقیدتی و معنوی است. اینها را می‌توان جزو شئونات کنشی دعای دینی دانست.

برخی از یافته‌های اصلی نشان می‌دهد که از حیث محتوایی و شئونات ممیزه دعای دینی سه گونه دعا متصور است:

- الف) دعای ابراهیمی (که وجه بارز آن تجلی تعبد و تدین است)؛
 - ب) دعای اسلامی (که شأن ممیزه آن ایجاد ارتباط با خداوند است)؛
 - پ) دعای شیعی و سرآمد آن "دعای اسلامی ابراهیمی" (که خصیصه ممتاز آن تجلی نیاز و عشق، احساس عارفانه، خود آگاهی اجتماعی و ابراز ایدئولوژی است).
- کلیدواژه: دعا، شیعیان، دعا در میان شیعه

فهرست مطالب

عنوان صفحه	شماره صفحه
مقدمه	۴
الف - معنی دعا	۵

۱- دعا در لغت و اصطلاح	۵
۲- دعا در قرآن	۶
ب- شرایط دعا	۷
ج- اهمیت و حقیقت دعا به درگاه خداوند	۷
د- شرایط استجابت دعا در قرآن	۸
۱- عدم استجابت دعا	۹
۲- نقش ایمان در استجابت دعا	۹
ه- آداب دعا	۱۰
و- دعاهای قرآنی	۱۱
ز- آداب پیامبران و صالحان در دعا	۱۱
ح- دعاهای سؤال برانگیز در قرآن	۱۲
ط- استناد به دعاهای قرآنی در مباحث کلامی	۱۲
ی- حقیقت و اهمیت دعا	۱۳
ک- آداب دعا	۱۴
ل- اوقات دعا	۱۵
م- مکان‌های دعا	۱۶
ن- استجابت دعا	۱۷
س- مستجاب الدعوه‌ها	۱۷
ع- دعا برای دیگران	۱۸
ف- موانع اجابت دعا	۱۹
ص- دعا در نگاه متکلمان	۲۰
۱- از نظر اخلاقی:	۲۰
۲- از حیث کلامی:	۲۰
۳- در فلسفه	۲۱
۴- در تصوف و عرفان	۲۲
ق- آداب دعا در نظر صوفیه	۲۳
۱- شروط اجابت دعا در نظر ایشان	۲۳
۲- دعاهای برخی از بزرگان صوفیه	۲۳
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۲۴

مقدمه

دُعا، طلب و درخواست بندگان از خدا یا آنچه معبود می‌پندارند، برای رسیدن به خواسته‌ها یا دوام داشته‌ها یا رفع ناملایمات، اعم از مادی و معنوی در زندگی دنیایی یا اخروی، چه در وضع عادی و چه در وضع اضطرار .

دعا در فقر ذاتی انسان‌ها ریشه دارد و با عبادت و اظهار بندگی پیوندی نزدیک دارد و معمولاً در قالب عمل عبادی و مناسک صورت می‌گیرد. در طول تاریخ و در همهٔ جوامع بشری و پیروان ادیان، دعا به شکل‌های گوناگون فردی و اجتماعی وجود داشته است .

در کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی برای ساعات روز، ماه‌های قمری و برخی زمان‌ها و مکان‌های ویژه و نیز برای حالات و عوارض و حوادثی که برای انسان پیش می‌آید، دعاها و ذکرهای گوناگون قرآنی و غیرقرآنی نقل شده است که به آنها دعای ماثور گفته می‌شود .

الف- معنی دعا

۱- دعا در لغت و اصطلاح

دعا کلمه‌ای عربی از ریشهٔ «د ع و» و به معنای مایل ساختن چیزی به سوی خود با صدا و کلام است، اما ابوهلال عسکریصل آن را درخواست انجام کاری می‌داند. جمع آن ادعیه است .

۴- در تصوف و عرفان

دعا در زبان صوفیان با اوصافی چون نردبان گنهکاران، زبان اشتیاق به محبوب، مکاتبه به دوست، سخن گفتن در برابر حضرت حق به زبان شرم و نوعی خدمت که بنده جوارحش را بدان می‌آراید، وصف شده است و چون خدا بندگان را به دعا کردن امر فرموده، دعا تن به فرمان خدا دادن است.

ابوالقاسم قشیری در قرن پنجم در رساله، ضمن گنج‌انیدن دعا در زمره «مقامات»، تصویر نسبتاً جامعی از دیدگاه‌های صوفیه در این باب عرضه کرده که در سخن و آثار بعد از او کم و بیش تکرار شده و بسط و تعمیق یافته است. او دیدگاه‌های صوفیه را در باب اینکه دعا کردن بهتر است یا سکوت اختیار کردن به چهار گونه تقسیم کرده است:

۱. دعا، فارغ از اینکه اجابت شود یا نه، نوعی عبادت محسوب می‌شود و به جا آوردنش بهتر از ترکش است.

۲. خاموشی اختیار کردن و به خواست و قضای الهی تن دادن بهتر از دعا کردن است. گاهی هم ادب بندگی و حیا، انگیزه ترک دعا تلقی شده است.

۳. گروهی هم این دو نظر را باهم جمع کرده و دعا کردن را منافب با رضایت قلبی به مقدرات خداوند ندانسته‌اند.

۴. گروهی هم دعا را با مفهوم عرفانی وقت پیوند داده و دعا کردن یا خاموشی گزیدن را ناظر به وقت داعی دانسته و معتقدند که این وقت (حالت غالب بر انسان) است که تعیین می‌کند بنده لب به دعا بگشاید یا سکوت پیشه کند.

قشیری در یک تقسیم بندی ساده دعا را از حیث نحوه ابراز به سه قسم تقسیم کرده است که البته بعدها ابن عربی آن را بسط داد.

- دعای عامه مردم که به گفتار است.

- دعای زاهدان که به کردار است.

- دعای عارفان که به احوال است.

ابن عربی در باب مفهوم و سازوکار اجابت دعا معتقد است که اجابت دعا و درخواست بندگان در واقع نوعی منت نهادن خداوند در حق ایشان است و چون نزدیکی خدا به بندگان از قبیل نزدیکی انسان به خودش است، در حال هیچ فاصله زمانی میان دعا و اجابت آن وجود ندارد و چون بر اساس آیه ۱۸۶ سوره بقره، خداوند دعا را تضمین کرده است، بندگان بهتر است در عرضه نوع خواست خود احتیاط و مراقبت کنند و ترجیحاً آن را معین نکنند و اگر معین کردند آن چیزی را بخواهند که خیر و سلامت در آن است.

دعا نزد صوفیه مجموعاً دارای شش عنصر است:

۱. انگیزه (فقر ذاتی)
۲. غرض و هدف (مایحتاج الیه)
۳. آنچه نیاز از آن نشأت می‌گیرد
۴. توجهی که درخواست و دعا به مدد آن تحقق می‌یابد
۵. زبانی که دعا با آن اظهار می‌شود
۶. اجابت الهی که حصول مطلوب را در پی دارد.

ق- آداب دعا در نظر صوفیه

- رعایت ادب زبانی و استفاده از زبان فقر و خاکساری و نه زبان تحکمی.
- حضور قلب نه صرفاً لقلقهٔ زبان.
- اصرار بر دعا.
- اعتراف بر گناه.
- توجه به اوقات دعا .

۱- شروط اجابت دعا در نظر ایشان

- خوردن لقمهٔ حلال.
- شناختن مدعو و دریافت صحیح و با علم و بصیرت داعی از مدعو. (صدرالدین قونیوی، ۱۳۸۱ش، صص ۲۸۰-۲۸۱).
- دل شکسته بودن و از اندوه و اضطراب دعا کردن. (خرگوشی، ص ۴۰۴؛ قشیری، ص ۳۸۵؛ مولوی، ج ۳، دفتر ۵، بیت ۴۹۳)

۲- دعا‌های برخی از بزرگان صوفیه

نظیر حسن بصری، حلاج، بایزید بسطامی، جنید بغدادی، ذوالنون مصری و ابن عطاء الله اسکندری چنان درخور توجه و اهمیت تلقی شده که بخشی از کتاب‌های اصلی تصوف به ذکر آنها اختصاص یافته است. (رک: ابونصر سراج، صص ۲۵۷-۲۶۳؛ خرگوشی، صص ۴۰۴-۴۰۹؛ ابن عطاء الله اسکندری، صص ۱۹۵-۲۱۳).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- آنچه توجه به آن لازم است این است که این همه شرف و شکوه جلال، از آن "حال دعا" است نه صرف لقلقهٔ لسان و فقط تلفظ به زبان که نه عشق و شوری در دل پدید آورد و نه اهتزاز و جنبشی در جان بیفکند.

۲- انسان، یا بالفعل و در حال حاضر گرفتار انواع بلیات است و یا بالقوه و در آینده در معرض برخورد با آفات و حوادثِ گوناگون است و لذا تنها راه رفع بلای موجود و دفع بلای متوقع، استغاثهٔ به درگاه خدای عالمیان است که بی‌خواست او هیچ سببی سببیت ندارد و بی‌اذن او هیچ عامل مؤثری اثرگذار نمی‌باشد.

۳- به حکم عقل واقع‌بین، انسان گرفتار در "دنیای پیچیدهٔ به بلا" موظف است دائماً در حال دعا و التجا به خدا باشد، هر چند در حال حاضر، خود را غرق در نعمت و فارغ از هر گونه بلا بیند. چه آنکه جهان، جهان تغییر است و ممکن است در یک طَرْفَةُ الْعَيْنِ، نعمت، تبدیل به نعمت گردد و مسرت تبدیل به مصیبت شود.

۴- دعا و تذلل به درگاه خدا و درخواستِ حوایج از خدا، محصور به الفاظی مخصوص که از لسان رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین صادر شده نیست، بلکه انسان در مقام دعا آزاد است و در هر حال و در هر جا که هست، به هر لغت و زبانی که برایش ممکن است می‌تواند اظهار نیاز به درگاه بی‌نیاز نموده، آنچه را در دل دارد به زبان آورد و با حضرت رب کریم به میان بگذارد؛ اما چه بهتر که سر به آستانِ مقربان درگاه و عارفان به شئون بندگی، یعنی خاندان عصمت و اهل بیت رسالت علیهم السلام گذارد و از لسان آن بزرگواران به دعا و مناجات با خدا بپردازد. چه آنکه تنها آنانند که خدا را تا آنجا که می‌شود شناخت، شناخته‌اند و هم به راه و رسم بندگی و عرض نیاز، آنچنان که شایسته است پی برده‌اند، هم می‌دانند از خدا چه باید خواست و هم می‌دانند آن را چگونه باید خواست.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، چاپ افست، بيروت ۱۳۸۵-۱۳۸۷ق/۱۹۶۵-۱۹۶۷م.

ابن ابی حاتم، تفسير قرآن العظيم، چاپ اسعد محمد طيب، صيدا، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م.

ابن بابويه، على بن حسين، الامامة و التبصرة من الحيرة، قم، ۱۳۶۳ش.

ابن فهد حلي، عدة الداعي و نجاح الساعي، چاپ احمد موحدي قمی، مكتبة الوجداني، قم، (بی تا).

احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، انتشارات دارصادر، بيروت، بی تا.

امينی، عبدالحسين، الغدير في الكتاب و السنة و الادب، بی تا، بيروت، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، ج ۸.

برقي، احمد بن محمد، كتاب المحاسن، چاپ جلال الدين محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۰ش.

بيضاوی، عبدالله بن عمر، انوارالتنزيل و اسرار التأويل، چاپ افست تهران، مصر، ۱۳۶۳.

ترمذی، محمد بن عيسى، سنن الترمذی و هو الجامع الصحيح، چاپ عبدالرحمن محمد عثمانف بيروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م، ج ۳ و ۵.

خصاص، احمد بن على، احكام القرآن، چاپ عبدالسلام محمد على شاهين، بيروت، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، چاپ يوسف عبدالرحمان مرعشلی، بيروت ۱۴۰۶ق.

خزاز رازی، على بن محمد، كفاية الاثر في النقص على الائمة الاثني عشر، چاپ عبداللطيف حسینی كوه كمری خویی، قم ۱۴۰۱ق.

رامهرمزی، حسن بن عبدالرحمان، المحدث الفاصل بين الروای و الراعی، چاپ محمد عجاج خطيب، بيروت ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، چاپ حبيب الرحمان اعظمی، بيروت ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.

طبرسی، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، چاپ محمد حسين اعلمی، بيروت ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م.

عياشي، محمد بن مسعود، كتاب التفسير، چاپ هاشم رسولي محلاتی، قم ۱۳۸۰-۱۳۸۱ش..

فخر رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير، قاهره، بی تا، چاپ افست تهران، بی تا.

فيض كاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسير الصافي، چاپ حسين اعلمی، اهران ۱۴۱۶ق.

قاضی نعمان، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام، چاپ كفعمی، بيروت ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.

نسائی، احمد بن علی، کتاب السنن الکبری، چاپ عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.

باباافضل کاشانی، محمد بن حسین، مصنفات، چاپ مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، تهران ۱۳۶۶ش.
سهروردی، یحیی بن حبش، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱-۲، چاپ هانری کوربن، ج ۳، چاپ سید حسین نصر، تهران ۱۳۸۰ش.

فخررازی، محمد بن عمر، شرح اسماء الحسنی للرازی و هو الکتاب المسمی لواضع البینات شرح اسماء الله تعالی و الصفات، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ش.

میرداماد، محمدباقر بن محمد، کتاب القبسات، چاپ مهدی محقق و دیگران، تهران ۱۳۶۷ش.
ابن عطاءالله اسکندری، الحکم العطائیة، ضمن شرح الحکم العطائیة، از عبدالمجید شرنوبی، دمشق ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.

صدرالدین قونیوی، محمد بن اسحاق، اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن، چاپ جلال الدین آشتیانی، قم ۱۳۸۱ش.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن، الرسالة القشیریة، چاپ عبدالحلیم محمود و محمود بن شریف، قاهره، بی تا.